

متن پرسش

سلام علیکم: چرا در دوره بنی العباس، رویکرد نهضت ترجمه توانست جای حکمت دینی را بگیرد و تفکر ناب نبوی و سنت حسنه آل الله را به حاشیه ببرد و به جای اینکه مطالعه آثار غرب کهن باعث به خود آمدن مسلمین شود و آنها بفهمند چه میراث عظیم فکری را در پرتو تفکر اسلامی بدست آورده اند و بتوانند با رویکرد حکمت قدسی به نقد آن آثار بپردازند و بنیان فکری اسلامی را قوی کنند، مغلوب و خودباخته غرب (که تازه آن زمان وضعیت مسلمانان بشدت قوی تر از غرب آن روز بود و غرب در ضعف قرار داشت) شدند و عقاید التقاطی پیدا کردند تا آنجا که از دوره امام رضا (ع) تا دوره امام عسکری (ع)، ائمه شیعه در عین هدایت و تلاش برای برقراری حکومت عدل و قسط، با آن تفکرات التقاطی و غریزه و دور از حکمت دینی هم مبارزه کردند و شاهد مثالش هم ارشاد و پاسخ امام عسکری (ع) به رویکرد هرمنوتیک تفسیر قرآن بود که کندی فیلسوف مطرح عرب دنبال می کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث، بسیار است. نقش بنی العباس در این امر، جهت به حاشیه بردن حضور معارف اهل البیت «علیهم السلام» را نباید ساده گرفت. ولی در همین امر، نقش شیعیان هوشمندی چون فارابی و ابن سینا مهم است که سعی کردند حکمت یونانی را طوری وارد حکمت ایمانی نمایند که عملاً حکما یونانی با روح و رنگ حکمت ایمانی در جهان اسلام حاضر شود و تا آنجا که ممکن بود جهان اسلام از دعوی معتزلی‌گری که سخت بر عقل یونانی تأکید داشت؛ و اشعری‌گری که در حدّ تحجر، دین را تقلیل داده بود؛ آزاد شد. در این مورد بد نیست سری به جزوات «تاریخ فلسفه و کلام» که بر روی سایت هست، بزنید. موفق باشید